

دلایل ایمان به تثلیث

خدا چه شکلی است؟ شما می توانید خدای خود را برطبق تصوراتان بسازید. یا می توانید چیزی که خدا از خود آشکار نموده است را مطالعه نمائید و از آن اطلاعات در جستجوی درک بیشتری از خدا استفاده نمائید. از کودکی قانع شده ام که تنها با مطالعه کتاب مقدس، خصوصاً عهد جدید، نمی توان خدا را درک کرد؛ مگر اینکه به درستی رابطه بین خدای پدر، پسر و روح القدس را تشخیص دهید. ما البته بایستی به این موضوع بپردازیم و جوابهای ساده، دردی را دوا نمی کند. خوشبختانه خدا منطق ما را دنبال نمی کند؛ پس ما بایستی به اندازه کافی فروتن شویم تا منطق او را دنبال کنیم. من مطمئنم که عهد جدید، ذات و طبیعت تثلیثی خدا - یگانه لاینفک خدا متشکل از سه شخصیت مشخص - را تعلیم می دهد. من سعی می کنم بسادگی توضیح دهم که چگونه به این مسئله ایمان دارم؛ ولی نگذارید سادگی توضیحات من، لفافه ای روی این حقیقت باشد که بهرحال این موضوع پیچیده است. جلدهای زیادی کتاب در این مورد نوشته شده است. اشتباه نکنید، پیچیده است. اگر راستشو بخواهید احساس می کنم که کودکی هستم که تازه راه افتاده است و بطرف یک اقیانوس در حال حرکت است. بنابراین همانطوری که شخصیت خدا را توضیح می دهم، متکی به چیزی هستم که کتاب مقدس خود آنرا آشکار می کند تا بتوانم از آن برای توضیحات خود استفاده کنم. حالا ممکنه از یک خرده گیر بشنوید که می گوید: " کلمه تثلیث هیچ جا در کتاب مقدس نیامده است. " بله درست است، نیامده. بعضی هم ممکنه بگویند: " سه تا هیچوقت یکی نمی شود. " درسته، البته اگر در مورد ریاضی صحبت می کردیم. بهرحال چیزی که در موردش صحبت می کنیم یک رابطه پیچیده است نه یک معادله ساده. بنابراین من پیشنهاد می کنم که بجای استفاده از تعابیر غلط و کاریکاتور مانند خرده گیریها، ادراکمان را در این مورد از کتاب مقدس گردآوری کنیم. سؤال این نیست که من یا شما می توانیم درک ذهنی از مفهوم تثلیث داشته باشیم یا نه. الکترونها بهرحال چراغ برق را روشن می کنند، بدون هر گونه درک ابتدایی در مورد چگونگی روشن شدن چراغ که با تلنگری بر روی کلید برق انجام می شود. همین الان از کنار شما سیگنالهای تلویزیونی و رادیویی زیادی عبور می کنند و اگر شما یک میزان کننده داخلی داشتید، می توانستید این امواج را طبقه بندی کرده، میزان نموده و مورد استفاده قرار دهید. فقط بخاطر اینکه آنها را نمی شنوید و نمی بینید به این مفهوم نیست که آنجا نیستند. سؤال به سادگی این است: کتاب مقدس چه تعلیمی در مورد ارتباط پدر، پسر و روح القدس می دهد؟ تعریف بگذارید ابتدا «تثلیث» را تعریف کنیم. تثلیث بر می گردد به «اتحاد پدر، پسر و روح القدس در سه شخصیت»^۱ البته کلمه تثلیث از کلمات «سه» و «اتحاد» تشکیل یافته است که معنای «سه تکه بودن» در آن نهفته است. به عبارت دیگر ایمان به تثلیث یعنی اینکه پدر، پسر و روح القدس ذاتاً یکی یعنی خدا هستند، حتی با ابقای تفاوتهای خود. جان کالوین اینطور می گوید که: " پدر، پسر و روح القدس یک خدا هستند، با اینحال نه پسر پدر است و نه روح القدس پسر؛ بلکه آنها با صفاتی از هم متمایز شدند^۲" الهیدانان در مورد عقاید پیچیده ای مثل «هم ذات بودن» (یونانی: homoousios) بحث می کنند که من از آنها در این مقطع صحبتی نخواهم کرد. من به به چهار دلیل به تثلیث ایمان دارم - دلایل کتاب مقدسی. بیائید با من به این دلایل نگاه کنیم: ۱/ بخاطر عبارات مربوط به تثلیث در عهد جدید یکی از مهمترین دلایلی که من به تثلیث ایمان دارم، چندین عبارت واضح و روشن در کتاب مقدس است که پدر، پسر و روح القدس را در یک سطح قرار می دهند^۳ " پس رفته، همه آنها

را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر، پسر و روح القدس تعمیم دهید. ” (متی ۲۸ : ۱۹). ” فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. ” (دوم قرن‌تیان ۱۳ : ۱۴). ” برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر، به تقدیس روح برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح. ” (اول پطرس ۱ : ۲). البته جاهای زیادی است که پدر و پسر بدون ذکر نام روح القدس آمده است و یا تنها پسر و روح القدس آمده است و غیره. اما فکر می‌کنم این آیات ذکر شده در بالا بصورت انکارناپذیری واضح هستند، خصوصاً متی ۲۸ : ۱۹/ البته در آن مقطع کلمه «تثلیث» تعلیم داده نشده بود، ولی مفهوم آن بخوبی در عهد جدید نمایان است. این موضوع کاملاً بدیهی است. ۲/ چونکه عهد جدید یگانه پرستی و اینکه عیسی دارای ذات الهی است را تعلیم می‌دهد دومین دلیل مهمی که من به تثلیث ایمان دارم این است که عهد جدید آشکارا یگانه پرستی و الهی بودن ذات عیسی را تعلیم می‌دهد. یگانه پرستی یگانه پرستی اعتقادی است که توسط یهودیت آغاز شد و توسط مسیحیت تصدیق شد؛ و شامل این است که خدایی نیست غیر از یک خدا. این مطلب را به فراوانی در عهد عتیق و جدید می‌بینیم (بعنوان مثال مرقس ۱۲ : ۲۹ ، تثلیث ۶ : ۴ ، اعمال ۱۷ : ۲۲ - ۳۱ و اول قرن‌تیان ۸ : ۴ - ۶).

الوهیت عیسی در همان حال عهد جدید خیلی واضح اظهار می‌کند که عیسی دارای الوهیت است؛ یعنی دارای ذات خدایی است. رسول محبت عیسی، یوحنا این مطلب را اینطور بیان می‌کند: ” در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ۴ ” (یوحنا ۱ : ۱ - ۳). پولس رسول به همان اندازه روشن از الوهیت عیسی صحبت می‌کند: ” که چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد. ” (فیلیپیان ۲ : ۶ - ۷).

در اینجا یک توضیح دیگر از شأن عیسی در کتاب مقدس آمده است: ” او صورت خدای نادیده است، نخست زاده تمامی آفریدگان. زیرا که در او همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تختها و سلطنتها و ریاسات و قوآت؛ همه بوسیله او و برای او آفریده شد. او قبل از همه است و در وی همه چیز قیام دارد. او بدن یعنی کلیسا را سر است، زیرا که او ابتدا است و نخست زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود. زیرا خدا رضا بدین داد که تمام پری در او ساکن شود. ” (کولسیان ۱ : ۱۵ - ۱۹). اتحاد با پدر من می‌توانم به فراوانی با آوردن نمونه‌های زیادی ادامه دهم. فراتر از گنجایش این مقاله، عهد جدید مکرراً از طریق بیشمار الوهیت عیسی را ثابت می‌کند. خود عیسی اتحاد با پدر را بطریقی تصدیق می‌کند که باید آنرا کفر در نظر گرفت؛ مگر اینکه حقیقت باشند: ” من و پدر یک هستیم. آنگاه یهودیان باز سنگها برداشتند تا او را سنگسار کنند. عیسی بدیشان جواب داد: «از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک به شما نمودم. به سبب کدام یک از آنها مرا سنگسار می‌کنید؟» یهودیان در جواب گفتند: «به سبب عمل نیک، تو را سنگسار نمی‌کنیم، بلکه به سبب کفر، زیرا تو انسان هستی و خود را خدا می‌خوانی.» ” (یوحنا ۱۰ : ۳۰ - ۳۳) ” عیسی بدیشان گفت: «آمین آمین به شما می‌گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم.» آنگاه سنگها برداشتند تا او را سنگسار کنند. اما عیسی خود را مخفی ساخت و از میان گذشته، از هیکل بیرون شد و همچنین برفت. ” (یوحنا ۸ : ۵۸ - ۵۹) ” ایشان را گفت: «شما مرا که می‌دانید؟» شمعون پطرس در جواب گفت که «تویی مسیح، پسر خدای زنده!» عیسی در جواب وی گفت: «خوشابحال تو ای شمعون پسر یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است.» ” (متی ۱۶ : ۱۵ - ۱۷). در حضور عیسی، تومای شکاک او را اینطور صدا می‌کند: «ای خداوند من و ای خدای من.» (یوحنا ۲۰ : ۲۸). عیسی بخاطر این حرف او را توبیخ و یا اصلاح نکرد، بلکه تنها در مورد ایمانش به او گوشزد

کرد. در این مورد خود عیسی در محاکمه اش مستقیماً مورد سؤال قرار می گیرد: "...باز رئیس کهنه از او سؤال نموده، گفت: «آیا تو مسیح پسر خدای متبارک هستی؟» عیسی گفت: «من هستم؛ و پسر انسان را خواهید دید که بر طرف راست قوت نشسته، در ابرهای آسمان می آید.» (مرقس ۱۴ : ۶۱ - ۶۲) من به این موضوع پرداختم، چونکه امروزه گروهایی هستند که یا یکتاپرستی را انکار می کنند و یا این موضوع را که عیسی از هر جهت منحصرأ دارای الوهیت است. نمی خواهم چیزی را جدا کنم، تنها قصدم روشن سازی است. اعتقاد به الوهیت مسیح و یکتاپرستی اساس مسیحیت حقیقی است. اما خوب است که بدانیم در دنیای امروز، اعتقادات متضاد به این هم بسیار است: اعضای گروه Jesus Seminar معتقدند که عیسی نمی توانسته این چیزها را در مورد خود گفته باشد، پس شاگردان اینها را بایستی از خود ساخته باشند. در ظاهر مورمونها به یکتاپرستی ایمان دارند؛ اما وقتی از نزدیک نگاه می کنیم متوجه می شویم که هر مورمون خوب از جنس مذکر آرزو می کند که خدایی برای سیّاره دیگر باشد. و اینکه خود بنیانگذاران مورمونیسیم اساساً خدای پدر را خدای سیّاره زمین می دانند نه خدای تمام هستی؛ و این زمانی اتفاق افتاد که شورای خدایان، او را به خدا بودن سیّاره زمین منصوب کردن/۵ این یکتاپرستی نیست بلکه در حقیقت نوعی چند خدا پرستی است. شاهدان یهوه عیسی را بعنوان یک موجود الهی می دانند و او را از هر جهت شریک ذات پدر نمی دانند. آنها یوحنا ۱ : ۱ را اینطور ترجمه می کنند: "...کلمه یک موجود الهی بود." ۶ پیروان گروه یکتاپرستان، خدا بودن عیسی را رد می کنند. خلاصه اینکه فکر می کنم در کل کتاب مقدس کاملاً روشن است که تنها یک خدا است و در همان حال در عهد جدید بارها و بارها الوهیت عیسی مشخص است. شما به هر حال باید طوری این پارادوکس مشخص را توضیح دهید. یا عیسی خداست و یا مانند خداست. شما باید با این مسئله روبرو شوید و نمی توانید از آن چشم پوشی کنید. ۳/ چون عیسی و پدر دو شخصیت متفاوت هستند سومین دلیل کتاب مقدسی ای که من به تثلیث ایمان دارم این است که عهد جدید بارها و بارها برای عیسی و پدر شخصیتهای مشخص و متفاوتی قائل شده است. پدر و پسر دلیل اینکه در مورد پدر و پسر صحبت می کنیم این نیست که تعدادی الهیدان آنرا درست کردند؛ بلکه خود عیسی به این شکل رابطه اش را با خدا تشریح می کند. بعنوان مثال: " زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد. " (یوحنا ۳ : ۱۶). " پدر همه چیز را به من سپرده است و کسی پسر را نمی شناسد بجز پدر و نه پدر را هیچ کس نمی شناسد غیر از پسر و کسی که پسر بخواهد بدو مکشوف سازد. " (متی ۱۱ : ۲۷). " ...آمین آمین به شما می گویم که پسر از خود هیچ نمی تواند کرد مگر آنچه ببیند که پدر به عمل آرد، زیرا که پدر پسر را دوست می دارد و هر آنچه خود می کند بدو می نماید...کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است. " (یوحنا ۵ : ۱۹ و ۲۳). " ...ای پدر ساعت رسیده است. پسر خود را جلال بده، تا پسرت نیز تو را جلال دهد...و الان تو ای پدر مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم. " (یوحنا ۱۷ : ۱ و ۵). من می توانم همینطور ادامه دهم؛ اما کتاب مقدس کاملاً واضح است، مخصوصاً انجیل یوحنا. عیسی نیز خود مدعی یک اتحاد ذاتی بین خود و پدر است: " من و پدر یک هستیم. " (یوحنا ۱۰ : ۳۰). " ...کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می گویی پدر را به من نشان ده؟ آیا باور نمی کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنهایی که من به شما می گویم از خود نمی گویم، لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می کند. مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است... " (یوحنا ۱۴ : ۹ - ۱۱). شخصیت عیسی از پدر معلوم و مشخص است مهم است که بدانیم که پسر یعنی عیسی، از شخصیت خدا یعنی پدر مشخص است. چرا اینرا می گویم؟ عیسی خطاب به پدر

دعا می کند (یوحنا ۱۷). این بی معنی خواهد بود اگر عیسی و پدر یک شخص و نهاد باشند. وقتی عیسی خطاب به پدر دعا می کند، با خودش حرف نمی زند. این تصوّر نابخردانه ایست. من این نکته را مطرح می کنم، چونکه یک شاخه از جنبش پنطیکاستی به اقانیم ثلاثه معتقد نیستند. آنها معتقدند که عبارت «پدر» نماینگر الوهیت مسیح است؛ درحالیکه عبارت «پسر» نماینگر انسانیت یا تجلی الهی او در جسم است. بنابراین آنها معتقدند که پدر در واقع، پسر نیست و عیسی را هم پدر و هم پسر در نظر می گیرند/۷ تسلیم به پدر بودن شما اغلب در عهد جدید می بینید که پدر (که اغلب در کتاب مقدس بدون کلمه پدر نماینگر «خدا» است) رهبر است و عیسی و روح القدس بصورت ارادی تابع او هستند. آنها در رتبه الوهیت «یکسان» هستند ولی نه در رتبه عملکرد. پدر رهبر است، درست همانند زمانه زندگی عیسی که پدر رهبر خانواده بود. دیگر شکی نیست که چرا عیسی این رابطه را بصورت پدر و پسر توضیح می دهد. پولس بسیار جالب این رابطه را تشریح می کند: « بعد از آن انتهاست وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاسات و تمام قدرت و قوّت را نابود خواهد گردانید. زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود ننهد، می باید او سلطنت بنماید. دشمن آخر که نابود شود موت است. زیرا «همه چیز را زیر پایهای وی انداخته است»، واضح است که او که همه را زیر او انداخت، مستثنی است. اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آنگاه خود پسر هم مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کلّ در کلّ باشد. » (اول قرنیتان ۱۵ : ۲۴ - ۲۸). بنظر من مهم است تشخیص دهیم که عهد جدید پدر و پسر را شخصهای مجزا از هم معرفی می کند. آنها در وظیفه مجزا می باشند و همچنین در شخصیتهای مجزا از هم نسبت به هم عمل می کنند. درمورد تثلیث از نظر ظهور و طرزعمل، اینکه خدا خود را بعنوان پدر، پسر و روح القدس ظاهر کرده، یک مثال بیش از حد ساده شده آب است که خود را بشکل یخ، آب مایع و بخار نشان می دهد. اما البته اینگونه مثالها نماینگر ظهور بیش از یک شخص می باشند؛ دراینصورت دعا و اطاعت بی معنی خواهد بود. کتاب مقدس از ما می خواهد که پدر و پسر را بعنوان یک خدا ببینیم اما در شخصیتهای مجزا از هم. ۴/ زیرا که روح القدس هم دارای صفات الهی و هم شخصی است چهارمین دلیل کتاب مقدسی که به تثلیث ایمان دارم این است که در کتاب مقدس روح القدس با الفاظ شخصی نامبرده می شود. این مشخص می کند که او نیز صاحب شخصیتی مجزا از شخصیت پدر و پسر است. بایستی تصدیق کنم که در ظاهر ما تقریباً اطلاعات زیادی در مورد عملکرد روح القدس با سایر شخصیتهای تثلیث به اندازه ای که بین پدر و پسر وجود دارد، نداریم. و گاهی اطلاعات کتاب مقدسی در مورد روح القدس حداقل به منظور تلاش برای یک توضیح ثابت، بنظر مبهم می آید. از روح القدس بعنوان خدا نام برده شده « آنگاه پطرس گفت: «ای حنانیا چرا شیطان دل تو را پر ساخته است تا روح القدس را فریب دهی و مقداری از قیمت زمین را نگاه داری؟ آیا چون داشتی از آن تو نبود و چون فروخته شد در اختیار تو نبود؟ چرا این را در دل خود نهادی؟ به انسان دروغ نگفتی بلکه به خدا.» » (اعمال ۵ : ۳ - ۴). روح القدس افعال الهی را بعمل می آورد روح القدس نیز عملکردهای الهی را بعمل می آورد، مانند قضاوت کردن (یوحنا ۱۶ : ۸ - ۱۱)، ریختن محبت خدا (رومیان ۵ : ۵)، دادن خوشی (رومیان ۱۴ : ۱۷)، دادن امید (رومیان ۸ : ۱۶ - ۲۵)، دادن سلامتی (رومیان ۸ : ۶)، تولد دوباره (یوحنا ۳ : ۵)، دادن ایمان (اول قرنیتان ۱۲ : ۹). روح القدس ممکن است مورد کفر هم قرار گیرد (مرقس ۳ : ۲۹ و لوقا ۱۲ : ۱۰) که در عهد جدید معمولاً در مورد عمل توهین به الوهیت در نظر گرفته می شود/۸ روح القدس اعمالی را انجام می دهد که ما به یک شخص نسبت می دهیم در اینجا مدرک کتاب مقدسی محکمی دال براینکه به روح القدس در منسب و اعمالش، همانند یک شخص معین اشاره شده است، می باشد که ما آنها را تنها به یک شخص نسبت می دهیم. او خادم منصوب می کند (اعمال

۱۳ : ۲ و ۲۰ : ۲۸). او آنها را در خدمتشان هدایت و رهبری می کند (اعمال ۸ : ۲۹ و ۱۰ : ۱۹ - ۲۰ و ۱۶ : ۶ - ۷ و اول قرنتیان ۲ : ۱۳). او از طریق انبیا سخن می گوید (اعمال ۱ : ۱۶ و اول پطرس ۱ : ۱۱ - ۱۲ و دوم پطرس ۱ : ۲۱). او ملزم می کند (یوحنا ۱۶ : ۸). او تسلی می دهد (اعمال ۹ : ۳۱). ما را در ضعفهایمان کمک می کند (رومیان ۸ : ۲۶). تعلیم می دهد (یوحنا ۱۴ : ۲۶ و اول قرنتیان ۱۲ : ۳). هدایت می کند (یوحنا ۱۶ : ۱۳). مقدس می گرداند (رومیان ۱۵ : ۱۶ و اول قرنتیان ۶ : ۱۱). به مسیح شهادت می دهد (یوحنا ۱۵ : ۲۶). مسیح را جلال می دهد (یوحنا ۱۶ : ۱۴). دارای قوت از خود است (رومیان ۱۵ : ۱۳). همه چیزها را جستجو می کند (اول قرنتیان ۲ : ۱۰ - ۱۱). برحسب اراده خود عمل می کند (اول قرنتیان ۱۲ : ۱۱). در مقدسین ساکن می شود (یوحنا ۱۴ : ۱۷). می تواند اندوهگین هم شود (افسسیان ۴ : ۳۰). با او مقاومت هم می شود (اعمال ۷ : ۵۱) و امتحان هم می شود (اعمال ۵ : ۹). در خیلی از زبانها، منجمله یونانی، کلمات دارای جنسیت مذکر، مؤنث و یا خنثی هستند؛ اما این در مورد زبان انگلیسی صدق نمی کند/۹ در یونانی اغلب، روح القدس با ضمیر خنثی استفاده شده است - چونکه pneuma در یونانی با ضمیر خنثی صرف می شود (مانند یوحنا ۱۴ : ۱۷ و ۲۶ ؛ ۱۵ : ۲۶) - اما در چندین مورد از ضمیر مذکر استفاده شده است که بنظر برای تأکید شخص بودن روح القدس است. ” لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس (ضمیر خنثی) که پدر او را به اسم من می فرستد، او (ضمیر مذکر) همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم با یاد شما خواهد آورد. ” (یوحنا ۱۴ : ۲۶). ما زبان مشابه ای را در یوحنا ۱۵ : ۲۶ و خصوصاً یوحنا ۱۶ : ۱۳ می بینیم: ” چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد (ضمیر مذکر)... ” به قول سی.کی. بارت: ” روح القدس در این آیات، استدلال حالتهای شخصی است. ۱۰ ” من این نکته را در مورد الوهیت و ذات شخصی روح القدس ذکر کردم، چونکه عده ای خصوصاً منکر وجود الهی روح القدس هستند. بعنوان مثال شاهدان یهوه در ترجمه جهان جدید خود، کلمه روح القدس را حذف کرده و آنرا با عبارت «نیروی فعال خدا» جایگزین کردند. عبارتی که معنی شخص بودن روح القدس را نیز کاملاً از بین برده است/۱۱ سوگ اقنوم ثلاثه (تخت خدا)، اثر رابرت کامپین - نقاش فلمنگی (۱۳۷۵ - ۱۴۴۴). رنگ روغن، ابعاد: ۳۴/۳ سانتی متر در ۲۴/۵ سانتی متر. هرمیتاژ - سنت پطرس بورگ - روسیه نتیجه گیری چیزهای بسیار بسیار زیاد دیگری می شود در مورد پدر، پسر و روح القدس گفت. ولی من سعی کردم نکاتی را ذکر کنم که ساده باشند. اگرچه زکری از کلمه «تثلیث» در عهد جدید نیست، ولی همانطوریکه در بالا اشاره شد، با خواندن منصفانه عهد جدید می بایستی به این نتیجه برسیم که در عهد جدید از پدر، پسر و روح القدس درباره الوهیت و هم شخصیتهای مجزا، صحبت شده است؛ و اینکه عهد جدید بطور قطع اشاره به یکتاپرستی و یکی بودن و اتحاد وجود خدا می کند. اگرچه توضیحات بیشتر در مورد تثلیث، فراتر از آنچه که در عهد جدید تعلیم داده شده، می رود، ولی من معتقدم که عهد جدید بطور وضوح مفهوم مرکزی تثلیث را تعلیم می دهد: الوهیت سه شخص متمایز از هم - پدر، پسر و روح القدس - که ذاتاً یک خدا هستند. آیا من و شما این را بدرستی درک می کنیم؟ خیر. ما تقلاً می کنیم که با افکار زمینی مان، این مفهوم را در بر بگیریم. اما عهد جدید از ما می خواهد که سعی کنیم که کلام خود مسیح را اطاعت کنیم: بشارت داده، شاگرد بسازیم و آنها را «در نام پدر، پسر و روح القدس» تعمیم دهیم (متی ۲۸ : ۱۹).

نویسنده: دکتر رالف إف ویلسون

